

**داستان‌های داوطلبانه**

### روش‌ها و الگوهای اشتباه



**سعید اصغر زاده**

۱- نقلی را می‌خواندم از حسین دهباشی، نوشته‌بود:

دی‌ماه و سرسیاه زمستان بود که شنبی برای اعضای اوزالید قبل از چاب یکی از کتاب‌ها فتم چاپخانه | در فاصله یک‌ساعتی که مشغول بودم کار گزر عاقله مرد محترمی چندباری با نگرانی سرک کشید به دفتر آن جا و من حساسی کنج‌کاو شدم که چه کار دارد | پار آخر دختردار به آقای مدیر که تازه آمده بود مشکل اش را گفت که نیاز به «مساعده» دارد | ۵۰ هزار تومان | او بر تیره پشت من که آن شب برای خانواده ام ۷۰ هزار تومانی پیتزا خریده بودم از حیرت این‌که در این زمانه کسی هم ممکن است برای ۵۰ هزار تومان ناقابل‌لنگ‌مساعده باشد عرق سردنشته‌بود.

آن و در دل ایسن نیمه‌شب ادره‌بیشستی که خیلی از ما برای یک مشتت لایک مجازی طبع ازمایی می‌کنیم؛ با خوانسن ایملیل یکی از دوستاتم دوباره همان قدر حامله بد شد | با تصور البته اشتباه آن‌که دسترسی بی‌واسطه و سریعی به آقای رئیس جمهوری دارم نوشته‌بود؛ | الفطفا به دکتر روحانی بفرمایید طی دستوری عاجل قیمت نان را دوباره در سراسر کشور ارزان کنسد | طبقه پایین جامعه واقعا مشکل دارند | مشکلات گزانی در جامعه جدی است | قیمت نان وظیفه دولت است و مظهر رسیدگی به محرومان | یاعالی.

۲- نوشته‌ای را می‌خواندم در مورد عکس یک ورزشکار که رفته و یک بطری آب در دریاچه ارومیه خالی کرده‌است، متن خیلی تندو بی‌دینانه بود، قسمت‌های آرام‌ترش را می‌آورم:

هنری‌پیشه‌ای که می‌خواند نشون بده چقدر مهربونه میره با کودکان کار، گل می‌فروشه، یا یکی دیگه به‌جای این که یک‌دهم از ثروت‌اش رو ببخسه، با بچه‌های تو آنتیش سوخته سلفی می‌اندازه و برا درمون شون پول جمع می‌کنه هزار تا هزار تا کودک سالم‌ از گرسنگی و فقر تو این مملکت دارن هلاک می‌شن اونوقت بنیاد (نام بنیاد را حذف می‌کنم) تشکیل بدیم برای کودکانی که در بهترین حالت‌شان زندگی شون کمتر از ۳۰ درصد میلیون‌میلیون پول خرج کننیم

واقعیست فقر و بدبختی در کجاست؟ این حرکات نمادین کجای کارو گرفتار؟ (نام ورزشکار را حذف می‌کنم) کجای کار دریاچه ارومیه‌رو می‌خواند بگیره؟ بخشی از ثروت‌شو وقف کنه یا یک عده‌رو دعوت کنه که پولشون رو وقف این کار کنسد؟ تخصص (سواد) این کار رو که نداره و اگر یک متخصص براش بخواد روند کامل با احتمالات نجات دریاچه‌رو توضیح بده آیا می‌فهمه؟ این که ۱۰ بساز و بفرس خفن مایه که قبلا فول‌تالیست بودن یا یک مسابقه ۵،۵میلیون پول جمع کن کمتک خفنی به دریاچه نیست، (اینه که می‌گم اگر به‌جای این حرکت نمادین آب معدنی بطری هزار تومان رو حروم نمی‌کردن و به‌جاش بخشی از دارایی شون که برانشون ارزش‌ی رو در دریاچه می‌ریختند خیلی خیلی سوندمندتر بود)

روش خیلی خوبی برای شناسایی حرکات‌های نمادین فاسد از سالم هست، این که ببینیم روند سود در چه جهتیه، بعضی حرکت‌های نمادین خیلی هزینه سنگینی دارند، مثل... خودسوزی دستفروش فقیر مقابل دارای یاسر خمن‌کردن مرحوم تختی جلو ممدزا، کنتشگرهای این نوع حرکات تا جایی پیش میرن که جانشون رو هم ممکنه از دست بدن، تو حرکات‌های فاسد معمولا شهرت عاملی است که باعث کسب ثروت برای کنتشگرش می‌شه کنتشگر مدام چاق‌تر می‌شوند.

۳- یک گزارش می‌خواندم در مورد اشتغال زنان:

متین، کارشناس ارشد رشته پلیمر، دوسال است از دیواج کرده و سه‌سال است دنبال کار می‌گردد، هفته پیش، وقتی از مصاحبه کاری برگشت، خیلی خوشحال بود، مدیر شرکت در حرف‌هایش گفته بودا که فارغ‌التحصیل از یک دانشگاه معتبر است، به همتایان مرش ترجیح می‌دهد، اما ایملیل دیروز مدیر شرکت خیلی خوشحالش نکرد. در ایملیل نوشته بود که هنوز انتخاب اولش متین است، به شرطی که قراردادای رامضان کند که در آن آمده‌متین تا چهارسال آینده که پروژه شرکت برقرار است، بچه‌دار نخواهد شد.

۴- ماندگارم که چگونه می‌شود به جامعه‌ای اخلاقی دست پیدا کرد، جامعه‌ای که غم نان نداشته باشد، جامعه‌ای که نیر‌هایش در راه صحیح کار داوطلبانه انجام دهند و جامعه‌ای که فارغ از تبعیض جنسیتی باشد، بیان سه موضوع فوق از شبکه‌های اجتماعی که دارن الد دست به دست می‌چرخد شاید یک کار داوطلبانه باشد، اما اینها همه طرح موضوع است، طرح مسأله است و طرح مشکلی است، ما را هکار نیاز داریم.

ما باید داوطلبانه رویم به سمت حل مشکل آن کسی که نان شب ندارد و شاک‌ی است، ما باید داوطلب‌حل بحران کم‌آبی شویم، ما باید داوطلبانه به حقوق انسانی همه آدم‌ها فارغ از جنسیت‌شان احترام بگذاریم.

نمی‌دانم چرا الگوهای داوطلبی و الگوسازی‌های داوطلبی، این روزها به دلم نمی‌چسبند، نمی‌دانم چرا دست و دلم به قلم نمی‌رود، نمی‌دانم چرا با از راه رسیدن خردا...

# چگونه صدایتان را به گوش مسئولان برسانید



افراد، در مواجهه با چالش‌ها، واکنش‌های گوناگونی دارند، برخی در رویارویی با مشکلات و شرایط نامناسب اجتماعی، با ابراز نارضایتی، غرولندی می‌کنند ولی کاری برای حل مشکل انجام نمی‌دهند! اما وقتی شما به‌جای شکایت از مشکل، تصمیم می‌گیرید که بخشی از راه‌حل باشید، قدمی بردارید و کاری انجام دهید، به یک شهروند فعال تبدیل می‌شوید.

شهروندان فعال، حلقه تعامل جامعه و دولت‌ها هستند؛ آنها از یک‌سو منجر به توانمندسازی جامعه و از سوی دیگر، کمک‌رسانی به دولت‌ها برای دخیل کردن هر چه بیشتر شهروندان و مسئولیت‌دادن به آنان برای حل مشکلات جامعه می‌شوند.

یک شهروند فعال می‌تواند از طرق مختلفی به بهبود شرایط اجتماعی کمک کند. او می‌تواند به اعضای جامعه خود خدمات ارائه کند، برای مثال، با بازگشایی یک مرکز زپروری برای معتادان یا تأسیس سازمانی برای توانمندسازی دختران

شکل‌های مختلف نمود پیدا کنند. برای مثال، جمع‌آوری امضا در یک دادخواست (طومار) آنلاین برای حذف یک مکمل غذایی مخرب از ترکیب یکباره مصرف برای حفظ محیط‌زیست؛ یا می‌تواند مواد غذایی تولید می‌شود هم می‌تواند یک حرکت ترویجی باشد.

**اهمیت فعالیت ترویجی برای جامعه**

اهمیت موضوع ترویج و حمایت‌گری در جامعه، از چند جهت احساس می‌شود:

ریشه بخشی از مشکلات اجتماعی، در عادات و باورهای نادرست است. در چنین جایی است که حرکت ترویجی، ابزاری برای انتقال آگاهی و اصلاح باور نادرست ایجاد می‌کند که منجر به تغییر رفتار اعضای جامعه می‌شود. برای مثال، راه‌اندازی کمپین روز بدون پلاستیک برای اصلاح عادت استفاده از کیسه‌های پلاستیکی و جایگزینی آن با کیسه‌های پارچه‌ای، برخی مواقع، تغییر، تصویب یا اجرای یک قانون یا سیاست خاص، می‌تواند در حل یک مشکل

**«ترویج و حمایت‌گری» چیست؟**

ترویج و حمایت‌گری، تأثیرگذاری بر سطح آگاهی و تغییر باور عمومی، یا «کسب حمایت از گروه‌های مؤثر و قانون‌گذار، به‌منظور حل یک مشکل اجتماعی» است. حرکت‌های ترویجی، گاهی با نام کمپین یا کارزار هم شناخته می‌شوند، اما کارزارها تنها یک شکل از حرکت‌های ترویجی هستند. به‌طور کلی حرکت‌های ترویجی می‌توانند به

## تکرار قصه معلم فداکار گیلانی



بستری بود و این در حالی بود که ما هیچ آشنا یا فامیلی در تهران نداشتیم و بنده از صبح تا شب روی یک صندلی نشسته بودم. همسر آقای امیدزاده با بیان این که یادآوری آن روزها برایش بسیار سخت است، می‌فرمایند: یکسال قبل از وقوع آتش‌سوزی در کلاس درس، یعنی در سال ۷۵ اتفاق عجیبی افتاد؛ آن زمان تلوزیون سیاه و سفید داشتیم که باترئی کار می‌کرد. یک شب آقای امیدزاده داشت تلوزیون تماشا می‌کرد، من نیز سفره شام را پهن کرده بودم تا هر چه زودتر شام خورده و به کارهای دیگر برسم. آتش گرفته بود و امکان خروج دانش‌آموزان وجود نداشت و ۳۰ دانش‌آموز دوم دبستانی در حالی که به‌شدت ترسیده بودند، فقط فریاد می‌زدند و کمک می‌خواستند. کم‌کم معلمان دیگر نیز متوجه این حادثه شدند و به کمک آقای امیدزاده شتافتند اما پس از نجات ۳۰ دانش‌آموز متوجه شدند، سر، صورت و دست‌های آقای معلم به‌شدت سوخته‌است. رقیه دخت همسر مرحوم امیدزاده می‌گوید: حسن‌اقا همیشه در داشتت چرا که ۹۵ درصد سوختگی داشت و تمام بدن و صورتش سوخته بود؛ ۱۵گشت دست راستش قطع شده‌بود. فقط باهانش سالم بود که از پوست کشته‌شان را تاج یا ارغچ گرفته بودند و بینی و گوش او را تمیم کرده بودند.

وی به روزهای اول حادثه اشاره می‌کند و ادامه می‌دهد: آقای امیدزاده ۷ ماه در بیمارستان تهران

## پاورقی هفته

**چگونه یک محله را احیا کنیم: با تخیل، زیبایی و هنر**

جالب سرسیز در اطراف آن قرار دهیم، برای ساختمان‌هایی که خریدیم و نوسازی کردیم، که حالا در حدود ۲۶۰ تا ۷۰ واحد است، می‌توانیم اضافه بر آن، یک ورسای مینیاتوری هم داشته باشیم و این ساختمان‌ها را با یک کمربند سبز زیبا بهم متصل کنیم. جایی که هرگز مردم نمی‌خواستند در آن جا باشند تبدیل می‌شود به مقصد مهمی برای مردم همه کشورها و جهان.

به جوری مثل حسی است که من کوزه‌گر دارم، ما چیزهایی که روی چرخمان است به شکل مختلف تغییر می‌دهیم، ما با مهارت‌مان تلاش می‌کنیم درباره کاسه بعدی که می‌خواهیم بسازیم فکر کنیم و این فکر، از یک کاسه به یک واحد خانه، به یک بلوک، به یک محله و به یک منطقه فرهنگی و سپس به فکری درباره شهر تغییر پیدا می‌کند و در هر قطعه، چیزهایی بود که نمی‌دانستیم که

## اخبار نیکوکاری

### خانه احسان؛ طرح بازگرداندن بیماران اجتماعی به جامعه

اسکیزوفرنی یکی از ۲۰۰ نوع اختلال روانی مزمن به شمار می‌رود که اغلب مردم این دسته‌از بیماران را با مبتلایان به اختلال شخصیتی اشتباه می‌گیرند، این در حالیست که افراد یاد شده می‌توانند همانند سایر افراد فعالیت اجتماعی داشته‌ود هیچ مرکز درمانی نگهداری نشوند. سرای احسان، موسسه حمایت از آسیب‌دیدگان اجتماعی با تلاش به منظور بازگردانی روانی شش نفر از بین ۴۷۱ بیمار روانی مزمن مقیم مرکز شش نشان داد که این امر امکان‌پذیر است.

دکتر فرهاد رضائی‌نژاد، مجری طرح خانه احسان یک، ضمن اشاره به این که طرح بازگرداندن بیماران روانی مزمن به زندگی اجتماعی با باور به توانمندی‌های آنها و در نظر گرفتن شأن و کرامت انسانی از نخستین روز ماه رمضان ۹۲ در حال اجراست، گفت: این طرح که با اجاره یک آپارتمان در باقرشهر تهران برای شش نفر از مددجویان سرای احسان آغاز شد، تاکنون در بازگرداندن این بیماران به زندگی اجتماعی موفق‌آمیز بوده‌است.

وی گفت: چهار تن از این شش نفر که از میان این ۴۷۱ نفر مددجو انتخاب شده‌اند، دارای اختلال اسکیزوفرنی و دو نفر از آنها دارای سوابقه مصرف موادمخدر هستند که توسط کمیته تخصصی مجموعه شامل پزشک، روان‌پزشک، کاردرمانگر و مددکار انتخاب شدند. این افراد هر روز همانند سایر پرسنل برای کار به سرای احسان می‌آیند و حقوق دریافت می‌کنند. وی همچنین با بیان این که سال ۸۸ با استفاده از رویکرد و تجربیات جهانی فعالیت‌های خود را در حوزه بازتوانی روانی - اجتماعی آغاز کردیم، گفت: با توجه به این که اغلب بیماران روانی مقیم این مجموعه مجهول‌الطویه و برخی از آنها از اظهار مشخصات فردی خود ناتوان هستند، بازگشت آنها به جامعه امری غیرممکن به‌نظر می‌رسد، اما تلاش تیم تخصصی موسسه نشان داد که بازتوانی روانی بخش عمده‌ای از بیماران روانی مزمن مقیم مرکز کاملاً امکان‌پذیر است.

مجری این طرح همچنین با بیان این که بیشتر بیماران این موسسه مراجعات مکرر بیمارستانی دارند، افزود: بنا بر اصل ثلث، یک سوم از بیماران اسکیزوفرنی قابل درمان هستند؛ یک‌سوم در صورت وجود سرپرست مناسب و حمایت‌های اجتماعی توانایی زندگی اجتماعی دارند و یک‌سوم آخر نیاز به مراقبت‌های ویژه دارند که اکثر بیماران موسسه از این دسته هستند اما بر این باور هستیم که حتی این گروه آخر هم قابل درمان هستند و توانایی زندگی اجتماعی دارند.

مدیر سرای احسان درباره درمان قطعی این افراد توضیح داد: این بیماری مزمن و غیرقابل درمان است اما اگر منظور از درمان این است که با توجه به ظرفیت و پتانسیل افراد آنها را برای زندگی اجتماعی مناسب آماده کنیم می‌توان گفت: بله.

رضائی‌نژاد با اشاره به این که میزان خشونت (خودآزاری - دیگرآزاری) در بیماران اسکیزوفرنی با نرم جامعه براب است، اظهار کرد:



هیچ میزان خشونت اضافه‌ای را از این بیماران نمی‌توان توقع داشت، با این حال افراد مبتلا به اسکیزوفرنی در مرکز درمانی نگهداری می‌شوند. وی با بیان این که بیش از ۲۰۰ نوع اختلال روانی مزمن وجود دارد که در ۱۷ گروه تقسیم‌بندی می‌شوند، گفت: یکی از این گروه‌ها اسکیزوفرنی است که اغلب مردم بیماران مبتلا به اسکیزوفرنی را با بیماران اختلال شخصیتی اشتباه می‌گیرند در حالی که افرادی که به جامعه آسیب می‌رسانند عمدتاً در گروه اختلال شخصیتی قرار دارند؛ با این وجود این افراد مجاز هستند همانند سایر افراد فعالیت اجتماعی داشته باشند و در هیچ مرکز درمانی نگهداری نشوند.

رضائی‌نژاد در ادامه با اشاره به یکی دیگر از طرح‌های سرای احسان افزود: با برگزاری کارگاه‌های آموزشی نحوه برخورد با بیماران روانی مزمن را به خانواده‌ها آموزش و همچنین با ارائه خدمات پزشکی، روان‌پزشکی، روانشناسی، مسدودکاری و دارو برخی از مددجویان را برای زندگی نزد خانواده‌شان راجع داده‌ام، این در حالیست که بیماران را ترخیص نکردیم چرا که هر زمان خانواده به هر دلیل دیگر تمایل به نگهداری از بیمار خود نداشته باشد، باز هم از آنها در سرای احسان نگهداری خواهیم کرد.

به‌گفته رضائی‌نژاد، سرای احسان دارای ۴۷۱ بیمار مبتلا به اختلالات روانی است.